

دروغ

آفت فرد و جامعه

نوشته:

محتشم مؤمنی

سرشناسه: مؤمنی، محتشم، ۱۳۴۵.

عنوان و نام پدید آور: دروغ آفت فرد و جامعه / نوشته محتشم مؤمنی.

مشخصات نشر: قم: نجبا، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ISBN : 978-964-7238-74-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

موضوع: راستگوئی و دروغگوئی - جنبه های مذهبی - اسلام.

موضوع: راستگوئی و دروغگوئی - جنبه های قرآنی.

موضوع: راستگوئی و دروغگوئی - احادیث.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۸ د ۴ م / ۲۵۱/۲ BP

رده بندی دیسی: ۲۹۷/۶۳۴

شماره کتبی: ۳۱۸۶۴۶۲

دفتر اراک: بلوار میرزای شیرازی - خیابان - فتح شیاکوه

تلفن: ۰۸۶ - ۳۲۷۶۰۰۰



□ نام کتاب: دروغ آفت فرد و جامعه

□ نوشته: محتشم مؤمنی

□ ناشر: انتشارات نجبا

□ نوبت چاپ: اول □ تاریخ چاپ: پائیز ۱۳۹۲

□ تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه □ چاپخانه: سلیمان زاده

□ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۳۸-۷۴-۸

ISBN: 978-964-7238-74-8

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول - کراهت دروغ و دروغگویان در قرآن	۱۱
* دروغ از مصادیق قول زور است. * دروغگو ملعون است. * دروغگو از هدایت خداوند محروم است. * دروغ از مصادیق لغو است و باید از آن پرهیز کرد. * دروغگویان هرگز رستگار نخواهند شد. * روسیاهی دروغگویان در قیامت.	
فصل دوم - کراهت دروغ در روایات اسلامی	۱۹
فصل سوم - کراهت دروغ در نزد خردمندان جوامع بشری	۲۷
فصل چهارم - کراهت دروغ در نزد سخن سرایان مسلمان	۳۱
فصل پنجم - دروغ در سرب‌افشلهای عامیانه مردمان	۳۷
فصل ششم - علل دروغ‌گویی	۴۱
* احساس حقارت. * تعلیم و تربیت غلط. * خونی و غرور. * کسب منافع. * نارسایی قوانین و عدم اجرای صحیح آنها. * دروغ‌گویی امرا و حاکمان. * ترک امر به معروف و نهی از منکر. * تشویق‌های غلط و تحکیم‌های نابجا. * سخت‌گیری‌های بی‌مورد و توقعات نابجا. * ترس. * فضای بسته موجود در جوامع. * فقر.	
فصل هفتم - آثار و تبعات دروغ‌گویی	۶۵
* دروغ ویران‌کننده ایمان است. * دروغ کلید همه بدی‌ها است. * دروغ موجب روسیاهی آدمی و غضب پروردگار است. * دروغ مُوَرِّثِ کُفَر است. * دروغ، عامل محرومیت از خیرات و برکات است. * دروغ، نابودکننده سرمایه	

اطمینان فردی و اجتماعی است. * دروغ، موجب بی اعتباری آدمی در نزد

مردمان است. * دروغ، امراض روانی بی شماری در پی دارد. * عاقبت دروغ

تنهایی است. * دروغ، سرانجامی جز هلاکت ندارد. * دروغ، روزی انسان را کم

میکند. * دروغ، جوانمردی را از انسان می زداید.

فصل هشتم - راههای مقابله با دروغ و رهایی از دروغگویی ۸۹

* توجه به زبان های بی شمار دروغ. * رعایت اصول تعلیم و تربیت صحیح از

سوی مربیان. * پرهیز از سخت گیری های بی مورد و در نظر گرفتن توانایی افراد.

* توجه به آثار نیک و زیبای صداقت و راستگویی. * تکریم راستگویان و تنبیح

و تنبیه دروغگویان.

فصل نهم - روح مصلحت آمیز ۱۰۱

فصل دهم - مبادی و اصول دروغ ۱۰۹

فصل یازدهم - انواع دروغ ۱۱۵

منابع و مآخذ ۱۱۹

«مقدمه»

یکی از مهمترین و اساسی‌ترین سرمایه‌های زندگی اجتماعی انسانها که موجبات آسایش و آرامش فردی و اجتماعی آنها را فراهم می‌آورد «حس اعتماد و اطمینان» به یکدیگر میباشد. سرمایه‌ای که بدون آن، حیات توأم با آرامش و نشاط برای نوع بشر غیرممکن بوده و چنانچه این سرمایه پریها از دست برود و یا آسیبی بدان وارد شود، ترک حیات بسی آسانتر خواهد بود از زندگی در جامعه‌ای که افراد آن به گستاخ و رفتار یکدیگر با بدبینی و سوءظن نگرشته و هر لحظه بیم آن می‌رود که از ناچیز رفتار و گفتار توأم با مکر اطرافیان، آسیبی به آدمی برسد و حادثه‌ای ناگوار اتفاق افتد و از همین روی فرهیختگان و مربیان جوامع بشری، از دیرباز به منظور حفظ و صیانت این سرمایه و دستاورد گرانبها، به مقابله با عوامل تهدیدکننده آن پرداخته و راهکارهای مقابله با این عوامل را شناخته و معرفی نموده‌اند. و در این میان همگی اندیشمندان مذهبی و غیر مذهبی جهان از گذشته‌های دور تا کنون در این موضوع متفق القولند که هیچ انسانی همچون «دروغ» و «دروغگوئی» در تخریب بنیانهای اعتماد عمومی، مؤثرتر نبوده و نمیباشد. عاملی که عوامل دیگر در مقایسه با آن فی الواقع هیچ بوده و خود به تنهایی قادر است بنیانهای مستحکم حیات فردی و اجتماعی را ویران نموده و همچون سیلی بنیانکن، تمامی بناهای فکری و فرهنگی را نابود سازد، چرا که به تعبیر حکیم ناصر خسرو قبادیانی: «دروغ است سرمایه مرکافری را...» و هنگامی که در اثر رواج دروغ در جامعه‌ای کفر و کافری حاکم گردید، دیگر امیدی به

صلاح و فلاح نخواهد بود، زیرا کفر خود سرچشمه و عامل تمامی عقب ماندگی‌ها، خرافه پردازی‌ها و خرافه پرستی‌ها، تعصبات کور و اعتقادات ناصواب است. و اینجاست که باید با کمال تأسف و اندوه به این حقیقت اعتراف کنیم که در جهان فعلی و در میان جوامع بشری و از جمله جامعه خودمان که جزئی از این جهان پهناور است، روز بروز شاهد رواج یافتن دروغ در اشکال گوناگونش هستیم و این گناه عظیم در لباس یک ارزش (۱) جلوه‌گری مینماید و دروغ‌گویان بر دروغ‌های خود نامهای عامه پسند نظیر «زرنگی» و «زیرکی» می‌نهند و در مواردی آن را ضرورت زندگی امروزی و به مصحلت خود و جامعه میدانند!! و این همه در حالی است که جامعه ما از گذشته‌های بسیار دور در میان ملل جهان، به صفات زیبا و پسندیده گوناگون و از جمله «صداقت» و «راستی» مشهور بوده، همچنانکه «سیماکوی آن (شیوماچی آن)» نویسنده مورخ بزرگ چین، در کتاب تاریخ خود، به نقل از «ژانگ» سیاح و جهانگرد چینی که به مدت ۱۳ سال (منتهی به سال ۱۲۵ پیش از میلاد) در مناطق غرب چین از جمله رطون عزیز ما سیر و سفر کرده بود، چنین آورده است: «ایرانیان مردمانی نجیب، بزرگوار و مهربان هستند، عادت به آزار تازه واردین ندارند... آب و خاک را آلوده نمی‌کنند و دروغ نمی‌گویند و از فریبکاری و دغلکاری متنفرند و مردمانی سخاوتمند هستند و توشه راه به میهمان خود می‌دهند.» (روزنامه همشهری مورخه ۸۴/۵/۲۶ صفحه ۲۸) آری، ما ملتی هستیم که نیاکان ما از آب‌شخور صداقت شیراب می‌شده‌اند و راستگویی را برای خود مایه فخر و مباهات دانسته و کوچکترین دروغ را در گفتار و رفتار خویش بر نمی‌تافتند. حال با توجه به این پیشینه پسندیده و افتخارآمیز، بسیار

بجاست اگر این سوال را مطرح کنیم که «چرا باید ایرانی مسلمان که مبارزه با دروغ و دروغ‌گویی در متن فرهنگ و تاریخ او قرار دارد، کارش به جایی برسد که در دنیا به داشتن این صفت ناپسند مشهور شده و درباره او اینگونه قضاوت کنند که «اگر احیاناً ایرانیان قصد راست‌گویی داشته باشند، باز هم تا اندازه‌ای گفته هاشان با دروغ آمیخته است، چنانکه پنداری دروغ‌گویی جزء اصول آموزش و پرورش آنان شده است. (هانری آلمانی)» (روزنامه اطلاعات، ۸۳/۱۱/۲۱ ص ۶). و: «ایرانیان محیل‌ترین، مزورترین، فریبکارترین و متملق‌ترین اقوام جهانند و برای رسیدن به مقاصد خویش نزد صاحبان مناصب چندان خود را پست و خوار و کوچک می‌سازند که در وصف نمی‌گنجد، مثلاً با صورتی حق به جانب به بزرگان اظهار می‌کنند که آنچه بر زبان‌شان می‌گذرد و معروض میدارند همان است که در دل ایشان است و برای باور دادن گفته خود دهها سوگند دروغ می‌خورند، ولی همین که به مراد رسیدند و خرشان از پل گذشت، عیان اظهار میدارند که این همه فروتنی را فقط به خاطر رسیدن به مقصود به جای آورده‌اند! (ژان شازدن، بازرگان فرانسوی) (روزنامه اطلاعات مورخه ۸۴/۴/۸ ص ۶). البته ناگفته نماند که ما هرگز منکر سیاه‌نمایی بیگانگان و اغراق آنها در بیان بعضی مطالب نیستیم و این قضاوت‌های همراه با بزرگ‌نمایی را هم در بست و بدون چون و چرا نمی‌پذیریم ولی بهر حال، منکر این هم نمی‌توان بود که در کنار تمامی صفات و خلیات ارزشمندی که در نهاد ایرانیان مسلمان به وفور وجود دارد، به مرور زمان و به خصوص در دو سه قرن اخیر به برخی از صفات ناپسند نظیر دروغ نیز کم و بیش آلوده شده‌ایم و صدالبته رد پای این صفت ضد اخلاقی را همچنانکه در

ابتدای این مقدمه گفته شد، در میان سایر ملل دنیا نیز میتوان مشاهده کرد و چه بسا در جوامع دیگر شیوع بیشتری داشته باشد اگر چه شکل و نوع آن متفاوت بوده و متناسب با فرهنگ هر جامعه باشد. بهر حال با توجه به آنچه در این مقدمه آوردیم، بر آن شدیم تا با استمداد از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی و سخنان حکیمان و دانشمندان، در جهت مقابله با این صفت شیطانی قدم برداشته و با تألیف این اثر ناچیز پیش از آنکه این میکروب خطرناک ضد اخلاقی فراگیر شده و سلامت فرهنگی و فکری جامعه ما را به مخاطره افکند با آن مبارزه نموده و زمینه‌های شیوع آنرا از میان برداریم.

در پایان ذکر این نکته را نیز ضروری میدانیم که خلاصه‌ای از متن کتاب حاضر در پائیز سال ۱۳۸۵ طی سه شماره در صفحه معارف یکی از جراید کشوری به چاپ رسیده و از آنجمله بنظر می‌رسید زمینه مساعدی برای تبدیل آن به کتاب وجود دارد، تصمیم گرفتیم در این جهت نیز اقدام نموده و زمینه استفاده بهینه از متن حاضر را برای آحاد جامعه اسلامی فراهم آوریم. امید است این حرکت کوچک فرهنگی مورد رضای خداوند عزیز واقع گردید و از جانب شما خواننده گرامی نیز با حسن قبول مواجه گردد. انشاء الله.

والسلام

محتشم مؤمنی

اراک آذر ۸۵